

سوژه‌های سخن

حجت الاسلام والمسلمین جواد محدثی*

اشاره

ماه مبارک رمضان، ماه بندگی، کسب فضایل اخلاقی، تقویت معنویات و بهتر ساختن تعامل و روابط با هم‌نوعان و مؤمنان است. از این رو، بهره‌گیری از این فرصت، برای «یادآوری» موضوعات اخلاقی و معنوی و تقویت آن‌ها و نزدیک‌تر شدن به اهداف روزه و رمضان که «تقوا» و «خداترسی» از مهم‌ترین آن‌ها است، ضروری می‌نماید. موضوعات ذیل می‌تواند از جمله مباحث مناسب برای بحث در این ماه شریف و نورانی باشد. یادآوری می‌شود که در این نوشتار، به طور عمده، چهارچوب کلی و محورهای اساسی موضوع‌های سخنرانی آمده است. مبلغان ارجمند، با استفاده از توان علمی و ذوقی خویش، به تناسب زمان و مکان و مخاطبان خاص، می‌توانند به گسترش و پرورش این موضوعات بپردازند.

۱. تزکیه نفس

انسان، ترکیبی از «عقل و نفس» است و دو گونه جاذبه در وجود او نهفته است: «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا * وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا»^۱ فطرت الهی، عقل و دعوت انبیا، انسان را به خیر و سعادت فرا می‌خواند و نفس اماره و شیطان و تمایلات حیوانی، او را به گناه و پستی و فساد دعوت می‌کند. تزکیه نفس، به این است که انسان وجود خود را از خصلت‌های منفی و رذایل اخلاقی پاک کرده و بر کشش‌های نفسانی مهار بزند و از عقل و دین فرمان‌برداری کند. علمای اخلاق، پیوسته بر تزکیه نفس تأکید داشته‌اند و انسان اگر به خودسازی نپردازد، علم و مقام و ثروت و قدرت، چه بسا زمینه‌ساز سقوط اخلاقی و شقاوت او گردد.

محورهای بحث

۱. شناخت نفس (معرفة النفس) و جنبه‌های مثبت و منفی در وجود انسان؛
 ۲. تلاش برای افزایش و تقویت فضایل، کاستن و زدودن رذایل؛
 ۳. معرفی عالمان ربانی و عارفان و سالکانی که در این مسیر گام برداشته‌اند؛
 ۴. خطبه متقین در نهج البلاغه و ویژگی‌های خودساختگان و اهل تقوا؛
 ۵. عاقبت کسانی که با نداشتن تزکیه نفس، بدعاقبت شدند؛ چه در دوران پیشین و چه در عصر حاضر؛
 ۶. برنامه‌هایی همچون «محاسبه» و «مراقبه»، برای رسیدن به کمال نفسانی.
- در اهمیت خودسازی و تزکیه، همین بس که خداوند در سوره شمس پس از یازده قسم می‌فرماید: «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا * وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا؛ هر کس که نفس را تزکیه کرد، به رستگاری رسید و هر که نفس را آلود و تباہ کرد، ناکام و خسران‌زده شد.»

چند روایت

۱. امام کاظم علیه السلام: «لَيْسَ مِنَّا مَنْ لَمْ يُحَاسِبْ نَفْسَهُ فِي كُلِّ يَوْمٍ فَإِنَّ عَمَلًا حَسَنًا اسْتَرَادَ اللَّهُ وَ إِنْ عَمِلَ سَيِّئًا اسْتَغْفَرَ اللَّهُ مِنْهُ وَ تَابَ إِلَيْهِ»^۲

۱. شمس، آیه ۸.

۲. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ج ۲، ص ۴۵۳.

۲. پیامبر خدا ﷺ: «أَشَدُّكُمْ مَنْ مَلَكَ نَفْسَهُ عِنْدَ الْغَضَبِ وَ أَحْمَلُكُمْ مَنْ عَقَا بَعْدَ الْمَقْدَرَةِ»^۲
- امام علی (ع): «إِنْ أَنْفَاسَكَ أَجْزَاءُ عُمُرِكَ فَلَا تُفْنِهَا إِلَّا فِي طَاعَةٍ تُزَلُّفُكَ»^۳
- امام علی (ع): «مَنْ أَبْصَرَ عَيْبَ نَفْسِهِ شُغِلَ عَنْ عَيْبِ غَيْرِهِ»^۴
- امام صادق (ع): «خَفِ اللَّهَ كَأَنَّكَ تَرَاهُ وَ إِنْ كُنْتَ لَا تَرَاهُ فَإِنَّهُ يَرَاكَ»^۵

منابع دیگر

۱. نهج البلاغه، خطبه ۱۹۳ (خطبه متقین)؛
۲. نامه ۳۱ نهج البلاغه؛
۳. خطبه شعبانیه پیامبر اکرم ﷺ؛
۴. حکمت ۲۸۹ نهج البلاغه؛
۵. سوره فرقان، آیات ۶۳ تا ۷۷؛
۶. صحیفه سجادیه، دعای ۲۰ (مکارم الأخلاق) و دعای ۸ (استعاذه).
۷. اربعین حدیث و جهاد اکبر امام خمینی (عج)؛
۸. وسائل الشیعه، ج ۱۱، ابواب جهاد النفس؛
۹. اصول کافی، ج ۲؛
۱۰. گام نخستین، حسین رضوانی.

۲. دعا

از مناسب‌ترین فرصت‌ها برای دعا و نیایش، ماه رمضان است. در شب‌های آن، دعای افتتاح و در سحرها، دعای سحر و ابوحمزه ثمالی و در هر روزش، دعا‌های مشترک و خاص آن روز است. حالت دعا هم به طور طبیعی در مردم بیشتر است.

۱. احمد: تواناتر، پُركوشش‌تر.

۲. ابن شعبه حرانی، تحف العقول، قم: انتشارات اسلامی، ص ۴۵.

۳. آمدی، عبدالواحد، غرر الحکم و درر الکلم، تهران: دانشگاه تهران، ح ۳۴۳۰.

۴. ابن شعبه حرانی، تحف العقول، پیشین، ص ۸۸.

۵. کلینی، الکافی، پیشین، ج ۲، ص ۶۸.

مبلغان می‌توانند دعاهای هر روز، یا دعای سحر و افتتاح را محور بحث قرار دهند و از معارف بلندی که در ادعیه نهفته است، استفاده کنند. هم‌چنین دعاها یا «رَبَّنَا»های قرآنی، در این ماه می‌تواند محور بحث قرار گیرد. ضمن این‌که خود «دعا» هم به عنوان یک موضوع مهم، بحث‌پذیر است.

محورهای بحث

۱. نقش دعا در ایجاد آرامش روحی و روانی؛
 ۲. توصیه‌های فراوان معصومین علیهم‌السلام به دعا و نیایش؛
 ۳. بررسی دعا در زندگی پیامبران و ائمه و بررسی دعاهای انبیا در قرآن؛
 ۴. بحث دعا و استجابات و علل عدم استجابات برخی دعاها؛
 ۵. آداب و شرایط دعا و نیایش؛
 ۶. میراث ارزشمند ادعیه که از معصومین علیهم‌السلام در اختیار ما است؛ همچون: دعاهای صحیفه سجادیه، دعای کمیل و دعای ابوحمزه؛
 ۷. خواسته‌های مهم و متعالی که در دعاهای معصومین علیهم‌السلام آمده است و سطح خواسته‌های ما را بالاتر می‌برد؛
 ۸. توجه قلبی به خدا و مضامین ادعیه، افزون بر خواندن الفاظ آن‌ها، شرط نتیجه‌بخشی بیشتر دعاها است.
- در این زمینه، می‌توان به جلسات دعای کمیل، دعای توسل، دعای ندبه و مانند آن، که در کشور رایج است، پرداخت و راه بهتر برگزاری آن‌ها را ارائه داد و از رواج فرهنگ جلسات دعا چه در خانه‌ها و چه در مساجد و حسینیه‌ها قدردانی کرد و آن را از برکات و نظام اسلامی و خون شهدا دانست.

چند آیه و حدیث

۱. «وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ.»^۳

۱. ر.ک: آلکسیس کارل، نیایش، ترجمه محمدتقی شریعتی، انتشارات تشیع.

۲. در این باره، مجموعه ۶ جلدی دعاها و صحیفه‌های معصومین علیهم‌السلام، گردآوری سید محمدباقر موحد ابحطی، بسیار مفید است.

۳. غافر، آیه ۶۰.

۲. «وَ إِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ»^۱
۳. پیامبر خدا ﷺ: «الدُّعَاءُ مُخُّ الْعِبَادَةِ وَ لَا يَهْلِكُ مَعَ الدُّعَاءِ [أَحَدٌ]»^۲
۴. امام علی علیه السلام: «ادْفَعُوا أَمْوَاجَ الْبَلَاءِ بِالدُّعَاءِ»^۳
۵. امام صادق علیه السلام: «عَلَيْكُمْ بِالدُّعَاءِ فَإِنَّكُمْ لَا تَقْرَبُونَ بِمِثْلِهِ وَ لَا تَتْرَكُوا صَغِيرَةً لِصَغَرِهَا أَنْ تَسْتَلُوهَا فَإِنَّ صَاحِبَ الصَّغَارِ هُوَ صَاحِبُ الْكِبَارِ»^۴
۶. پیامبر خدا ﷺ: «دَاوُوا مَرْضَاكُمْ بِالصَّدَقَةِ وَ ادْفَعُوا أَبْوَابَ الْبَلَاءِ بِالدُّعَاءِ»^۵
۷. پیامبر خدا ﷺ: «مَنْ أَحَبَّ أَنْ يُسْتَجَابَ دَعَاؤُهُ فَلْيُطِيبْ مَطْعَمَهُ وَ مَكْسَبَهُ»^۶
۸. امام سجاد علیه السلام: «الْمُؤْمِنُ مِنْ دُعَائِهِ عَلَى ثَلَاثِ إِمَّا أَنْ يُدْخَرَ لَهُ وَ إِمَّا أَنْ يُعْجَلَ لَهُ وَ إِمَّا أَنْ يُدْفَعَ عَنْهُ بَلَاءٌ يُرِيدُ أَنْ يُصِيبَهُ»^۷

منابع دیگر

۱. بحار الأنوار، ج ۹۰، ص ۲۸۶ تا ۳۰۴؛
۲. وسائل الشیعه، ج ۴، ابواب الدعاء؛
۳. مکارم الأخلاق، باب دهم؛
۴. میزان الحکمه، باب ۱۶۰ (الدعاء)؛
۵. در مورد دعاهاى مناسب برای مناسبت‌های مختلف سال و اوقات شب و روز، به مفاتیح الجنان مراجعه شود.

۱. بقره، آیه ۱۸۶.

۲. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، بیروت: مؤسسة الوفاء، ج ۹۰، ص ۳۰۰.

۳. همان، ص ۳۰۱.

۴. همان، ص ۲۹۳.

۵. همان، ص ۲۸۸.

۶. همان، ص ۳۷۲.

۷. محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، قم: مؤسسة دار الحديث، الطبعة الأولى، ۱۴۱۶ق، ح ۵۷۲۳.

۳. نماز و حضور قلب

نماز در اسلام، به عنوان «ستون دین» به شمار آمده است. از توصیه‌های پیامبران به پیروان خویش، نماز و عبادت بوده است. خود انبیا هم در زمان حیات‌شان، اهل بندگی و نماز بوده‌اند: «وَأَوْصَانِي بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ مَا دُمْتُ حَيًّا»^۱

از نکات طرح‌پذیر در این مسأله به عنوان الگوهای نماز، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. پیامبر و اشتیاق او به نماز و انتظار کشیدن اذان بلال؛

۲. علی علیه السلام و نمازهای فراوان و شهادت او در حال نماز و محراب عبادت؛

۳. نماز ظهر عاشورای امام حسین علیه السلام و یارانش در کربلا؛

۴. حالات خاص امام خمینی علیه السلام در نماز و پرداختن به آن، حتی روی تخت بیمارستان.

در نماز، بیش از شکل نماز، روح نماز و توجه به خدا و حضور قلب مهم است. شناختن اسرار و رموز و مفاهیم بلند نماز، کمک می‌کند که نمازگزار، نماز اثربخش‌تری بخواند. آنچه آفت نماز است، عبارت است از مواردی مانند: سهل‌انگاری در نماز، تأخیر نماز اول وقت، نداشتن حضور قلب، نشناختن معنای واقعی نماز و یا ترک نماز. درباره هر یک از این‌ها نیز می‌توان بحث کرد.

محورهای بحث

۱. یادگرفتن نماز و قرائت صحیح حمد و سوره و اذکار آن؛

۲. توجه به معنای نماز و حضور قلب؛

۳. مراقبت و حفاظت از نماز (حَافِظُوا عَلَي الصَّلَاةِ)^۲؛

۴. نقش نماز در باز داشتن از گناه (إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ)^۳؛

۵. سیره ائمه معصومین علیهم السلام در مورد نماز، و نیز حالات عارفان و سالکان در نماز؛

۶. عادت دادن کودکان از کودکی به نماز (تربیت دینی)؛

۷. نقش اجتماعی و سیاسی نماز جماعت، نماز جمعه و نماز عید؛

۱. مریم، آیه ۳۱.

۲. بقره، آیه ۲۳۸.

۳. عنکبوت، آیه ۴۵.

۸. راه‌های پیدا کردن حضور قلب در نماز و جلوگیری از پراکندگی حواس. اهمیت حضور قلب در نماز و آشنایی با اسرار و رموز این عبادت و مراعات آداب ظاهری و باطنی آن، به اندازه‌ای است که علمای بسیاری درباره «اسرار الصلوة» کتاب نوشته‌اند، مانند: اسرار الصلوة، میرزا جواد آقا ملکی تبریزی؛ آداب الصلوة، امام خمینی رحمته‌الله؛ طهارت روح، شهید مطهری؛ پرتوی از اسرار نماز، محسن قرائتی؛ اسرار الصلوة، شهید ثانی؛ و اسرار الصلوة علی اکبر نهاوندی. برخی نویسندگان نیز به جمع‌آوری حکایت‌های مربوط به نماز پرداخته‌اند، از جمله: نماز خوبان، علی احمدپور؛ نماز در اسارت، ستاد اقامه نماز.^۱

چند آیه و حدیث

۱. «أَتْلُ مَا أُوْحِيَ إِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ وَأَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَ لَذِكْرِ اللَّهِ أَكْبَرُ».^۲
۲. «قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ * الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ».^۳
۳. «قُلْ لِعِبَادِيَ الَّذِينَ آمَنُوا يُقِيمُوا الصَّلَاةَ».^۴
۴. و آیات بسیار دیگر درباره نماز، از جمله: بقره، آیات ۳، ۴۳، ۴۵، ۲۷۷؛ نساء، آیه ۱۰۳؛ انفال، آیه ۳؛ ابراهیم، آیه ۴۰؛ مریم، آیه ۵۵؛ طه، آیات ۱۴ و ۱۳۲؛ حج، آیه ۴۱؛ نور، آیه ۳۷؛ لقمان، آیه ۱۷؛ ماعون، آیه ۵؛ معارج، آیه ۲۳.
۵. پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم: «الصَّلَاةُ مِنْ شَرَائِعِ الدِّينِ وَ فِيهَا مَرْضَاةُ الرَّبِّ عَزَّ وَ جَلَّ وَ هِيَ مِنْهَا جُ الْأَنْبِيَاءِ».^۵

۱. روایات مربوط به نماز را می‌توانید در این منابع ببینید: مجلسی، بحار الأنوار، پیشین، ج ۷۹؛ حرّ عاملی، وسائل الشیعة، بیروت؛ دار احیاء التراث العربی، ج ۳ تا ۵؛ محمدی ری‌شهری، میزان الحکمة، پیشین، فصل ۲۹۸، الصلاة فی الكتاب و السنّة.

۲. عنکبوت، آیه ۴۵.

۳. مؤمنون، آیه ۱ و ۲.

۴. ابراهیم، آیه ۳۱.

۵. صدوق، محمد بن علی، الخصال، بیروت: مؤسسه‌الاعلمی، ج ۲، ص ۵۲۲.

۶. امام باقر علیه السلام: «الصَّلَاةُ عَمُودُ الدِّينِ مَثَلُهَا كَمَثَلِ عَمُودِ الْفُسْطَاطِ إِذَا ثَبَتَ الْعَمُودُ ثَبَتَتِ الْأَوْتَادُ وَالْأُتُنَابُ وَإِذَا مَالَ الْعَمُودُ وَانْكَسَرَ لَمْ يَثْبُتْ وَتَدُّ وَ لَا طُنْبُ.»^۱
۷. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: «مَنْ لَمْ تَنْهَهُ صَلَاتُهُ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ لَمْ يَزِدْ مِنْ اللَّهِ إِلَّا بُعْدًا.»^۲
۸. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: «لَا يَقْبَلُ اللَّهُ صَلَاةَ عَبْدٍ لَا يَحْضُرُ قَلْبُهُ مَعَ بَدَنِهِ.»^۳

۴. سحرخیزی و شب‌زنده‌داری

در آیات و روایات، در اشعار اخلاقی و عرفانی، در توصیه‌های عالمان عارف و سالکان، در برنامه‌ها و دستورالعمل‌های اخلاقی و نیز در حکایات مربوط به خودساختگان، از «سحرخیزی» سخن بسیار گفته شده و اهل دل درباره برکات سحر و بیداری قبل از اذان صبح و خواندن نماز شب و دعا و نیایش، بسیار نوشته‌اند.

در ماه رمضان به برکت روزه و برخاستن برای خوردن سحری، توفیق بیداری قبل از اذان پدید می‌آید و باید آن را قدر دانست و مقدراری هم به عبادت و دعا و تهجد پرداخت.

محورهای بحث

۱. تأثیرهای خاص و معنوی لحظات سحر؛
۲. سحرخیزی، برنامه اهل مناجات و ذکر؛
۳. تأکید اسلام بر زود خوابیدن در شب و زود برخاستن (بُکُور)؛
۴. نمونه‌هایی از سحرخیزی و تهجد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، امیر مؤمنان علیه السلام و ائمه معصومین علیهم السلام؛
۵. حالات علمای ربّانی در مورد تهجد و سحرخیزی؛
۶. نشاط روزانه در سایه سحرخیزی و زیان‌های خواب صبحگاهی؛
۷. برکات بیدار بودن و دعا و نیایش بین طلوعین.

۱. برقی، محمد بن خالد، المحاسن، قم: دار الکتب الاسلامیه، ج ۱، ص ۱۱۶.

۲. محمدی ری‌شهری، میزان الحکمة، پیشین، ح ۱۰۵۵۱.

۳. همان، ح ۱۰۶۳۵.

چند آیه و روایت

۱. «وَبِالْأَسْحَارِ هُمْ يَسْتَغْفِرُونَ»^۱ (صفت اهل تقوا)؛
۲. «الصَّابِرِينَ وَ الصَّادِقِينَ وَ الْقَانِتِينَ وَ الْمُتَّقِينَ وَ الْمُسْتَغْفِرِينَ بِالْأَسْحَارِ»^۲
۳. «قُمِ اللَّيْلَ إِلَّا قَلِيلًا * نِصْفَهُ أَوْ انْقُصْ مِنْهُ قَلِيلًا * أَوْ زِدْ عَلَيْهِ وَ رَتِّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلًا»^۳
۴. پیامبر خدا ﷺ: «وَ إِنْ الْعَبْدُ إِذَا تَخَلَّى بِسَيِّدِهِ فِي جَوْفِ اللَّيْلِ الْمُظْلِمِ وَ نَاجَاهُ أَثَبَتَ اللَّهُ النُّورَ فِي قَلْبِهِ»^۴
۵. امام سجاده علیه السلام: «اللَّهُمَّ احْمِلْنَا فِي سُنَنِ نَجَاتِكَ وَ مَتَّعْنَا بِلَذِيذِ مُنَاجَاتِكَ»^۵
۶. پیامبر خدا ﷺ: «الرُّكْعَتَانِ فِي جَوْفِ اللَّيْلِ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنَ الدُّنْيَا وَ مَا فِيهَا»^۶
۷. امام صادق علیه السلام: «شَرَفُ الْمُؤْمِنِ صَلَاتُهُ بِاللَّيْلِ وَ عِزُّهُ كُفُّهُ الْأَذَى عَنِ النَّاسِ»^۷
۸. امام رضا علیه السلام: «إِنَّ النَّبِيَّاتِ الَّتِي يُصَلِّي فِيهَا بِاللَّيْلِ يَزْهَرُ نُورُهَا لِأَهْلِ السَّمَاءِ كَمَا يَزْهَرُ نُورُ الْكَوَاكِبِ لِأَهْلِ الْأَرْضِ»^۸
۹. پیامبر خدا ﷺ: «إِذَا قَامَ الْعَبْدُ مِنْ لَذِيذِ مَضْجِعِهِ وَ النَّعَاسُ فِي عَيْنَيْهِ لِيُرْضِيَ رَبَّهُ جَلَّ وَ عَزَّ بِصَلَاةٍ لَيْلِهِ بَاهَى اللَّهُ بِهِ مَلَائِكَتَهُ فَقَالَ أَمَا تَرَوْنَ عَبْدِي هَذَا قَدْ قَامَ مِنْ لَذِيذِ مَضْجِعِهِ إِلَى صَلَاةٍ لَمْ أَفْرِضْهَا عَلَيْهِ اشْهَدُوا أَنِّي قَدْ غَفَرْتُ لَهُ»^۹

منابع دیگر

۱. جلد ۸۴ بحار الأنوار، درباره نماز شب و تهجد و آداب آن؛
۲. چهل حدیث نماز شب و نوافل، محمود شریفی؛
۳. میزان الحکمه، بحث: دعا، عبادت، ذکر، صلاة.

۱. ذاریات، آیه ۱۸.

۲. آل عمران، آیه ۱۷.

۳. مزمل، آیه ۲-۴.

۴. محمدی ری شهری، میزان الحکمه، پیشین، ح ۲۰۰۴۳.

۵. مجلسی، بحار الأنوار، پیشین، ج ۹۱، ص ۱۴۷.

۶. همان، ج ۸۴، ص ۱۴۸.

۷. همان، ص ۱۴۱.

۸. همان، ص ۱۶۱.

۹. همان، ص ۱۵۶.

۵. طعام و اطعام

ماه رمضان، از سویی مهار نفس و کنترل خواسته‌ها و پرهیز از اطعام است که تقویت اراده را در پی دارد و از سوی دیگر، ماه رسیدگی به فقرا و احسان و اطعام و افطاری دادن به روزه‌داران و سیر کردن گرسنگان و محرومان است.

محورهای بحث (طعام)

۱. تقویت اراده در نخوردن و نیاشامیدن؛
۲. دقت در حلال بودن طعام و تأثیر «لَقْمَةُ حَلَالٍ» در سعادت انسان و نسل او؛
۳. توجّه به نعمت‌های خدا و شکر و حمد الهی؛
۴. قناعت و پرهیز از اسراف و تبذیر و مصرف‌های غیر ضروری.

محورهای بحث (اطعام)

۱. فضیلت احسان و اطعام و رسیدگی به فقرا و محرومان؛
۲. روزه، برنامه‌ای برای چشیدن طعم گرسنگی و هم‌دردی با فقیران؛
۳. ثواب افطار دادن به روزه‌داران، به‌ویژه مستمندان و نیازمندان؛
۴. داستان نزول سوره «هل أتى» درباره اهل بیت علیهم‌السلام و افطاری دادن خالصانه آنان به یتیم و اسیر و مسکین؛
۵. برنامه فقرزدایی و از بین بردن فاصله طبقاتی؛
۶. اخلاص در اطعام و افطار و پرهیز از خودنمایی یا چشم و هم‌چشمی؛
۷. پرهیز از افطاری دادن از بیت‌المال در ادارات و نهادهای دولتی.

چند آیه و روایت

۱. «كُلُوا وَ اشْرَبُوا وَ لَا تُسْرِفُوا»^۱
۲. «فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ إِلَى طَعَامِهِ»^۲
۳. «وَ يُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَ يَتِيمًا وَ أُسِيرًا»^۳

۱. اعراف، آیه ۳۱.

۲. عبس، آیه ۲۴.

۳. دهر، آیه ۸.

۴. امام صادق علیه السلام: «مَنْ أَطْعَمَ مُسْلِمًا حَتَّى يُشْبِعَهُ لَمْ يَدْرِ أَحَدٌ مِنْ خَلْقِ اللَّهِ مَا لَهُ مِنَ الْأَجْرِ فِي الْآخِرَةِ لَا مَلَكٌ مُقَرَّبٌ وَلَا نَبِيٌّ مُرْسَلٌ إِلَّا اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ»^۱
۵. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: «وَالَّذِي نَفْسُ مُحَمَّدٍ بِيَدِهِ لَا يُؤْمِنُ بِبِيْتِ شَبْعَانَ وَ أَخُوهُ أَوْ قَالَ جَارُهُ الْمُسْلِمِ جَائِعًا»^۲
۶. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: «مَنْ فَطَرَ صَائِمًا لَهُ مِثْلُ أَجْرِهِ مِنْ غَيْرِ أَنْ يَنْقُصَ مِنْهُ شَيْءٌ»^۳
۷. امام صادق علیه السلام: «إِفْطَارُكَ لِأَخِيكَ الْمُؤْمِنِ أَفْضَلُ مِنْ صِيَامِكَ تَطَوُّعًا»^۴

مباحث دیگر

۱. صرفه‌جویی و کاستن از مصرف به عنوان عاملی برای خودکفایی؛
۲. جهاد اقتصادی و مقاومت در برابر فشارها و تحریم‌های اقتصادی دشمنان؛
۳. مشکلات اجتماعی و بیماری‌ها و مرگ و میرها در اثر سوء تغذیه و مراعات نکردن بهداشت غذایی و فاصله گرفتن از سنت‌های دینی در مورد طعام و خوردن و نوشیدن؛
۴. تأثیر پرهیز و امساک غذایی در مداوای بیماری‌های مختلف و تنظیم سوخت‌وساز بدن در سایه برنامه ریاضیتی «روزه»؛
۵. زشتی پرخوری و شکم‌بارگی از یک سو، و آثار مثبت امساک و کم‌خوری و نورانیتی که بر اثر کم خوردن به دست می‌آید؛
۶. آداب و سنت‌های دینی در مورد غذا خوردن، مانند: چگونگی شروع و پایان غذا خوردن، دقت در حلال بودن غذا، پرهیز از غذاهای مشتهبه، نهی از پرخوری، خوب جویدن، حلال کردن، استراحت پس از صرف غذا، خوردن هنگام گرسنه شدن و دست کشیدن از غذا قبل از سیری.

۱. حرّ عاملی، وسائل الشیعة، پیشین، ج ۱۶، ص ۴۵۳.

۲. محمدی ری شهری، میزان الحکمة، پیشین، ج ۱۱۱۶۷.

۳. طوسی، محمد بن حسن، تهذیب الأحکام، تهران: نشر صدوق، ج ۴، ص ۲۰۲.

۴. کلینی، الکافی، پیشین، ج ۳، ص ۱۵۰.

۶. ادب در گفتار

«ادب»، نشان‌دهنده شخصیت انسان است. ادب هر کس، از گفتار، رفتار، سؤال و جواب، معاشرت و دوستی و روابط او با دیگران شناخته می‌شود. رعایت ادب در گفتار، یکی از جلوه‌های این فضیلت است و از «آداب معاشرت» به شمار می‌آید.

محورهای بحث

۱. معنا و مفهوم ادب؛
۲. رعایت عفت کلام؛
۳. پرهیز از فحش، ناسزا، توهین و سخنان رکیک و خلاف عفت عمومی؛
۴. گفتار هر کسی، شاخص شخصیت او است؛
۵. «اوّل اندیشه، و آنگهی گفتار»، نشانه‌ای از ادب؛
۶. پرهیز از ورود به سخن کسی، قبل از پایان یافتن کلامش؛
۷. اجتناب از: غیبت، دروغ، تهمت و سخن‌چینی؛
۸. نقش زبان و سخن در سعادت و شقاوت انسان؛
۹. نقش کلام و گفتار در ایجاد محبت و الفت یا کینه و اختلاف.

چند آیه و روایت

۱. «وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا»^۱
۲. «وَقُلْ لِعِبَادِي يَقُولُوا الَّتِي هِيَ أَحْسَنُ»^۲
۳. امام علی علیه السلام: «إِيَّاكَ وَ مَا يُسْتَهْجَنُ مِنَ الْكَلَامِ فَإِنَّهُ يَحْبِسُ عَلَيْكَ اللَّثَامَ وَ يَنْفِرُ عَنْكَ الْكِرَامَ»^۳
۴. امام علی علیه السلام: «سُوءُ الْمَنْطِقِ يُزْرِئُ بِالْبَهَاءِ وَ الْمَرْؤَةِ»^۴

۱. بقره، آیه ۸۳.

۲. اسراء، آیه ۵۳.

۳. آمدی، غرر الحکم، پیشین، ح ۲۷۲۲.

۴. از بین می‌برد.

۵. آمدی، غرر الحکم، پیشین، ح ۵۶۲۱.

۵. امام باقر علیه السلام: «قُولُوا لِلنَّاسِ أَحْسَنَ مَا تُحِبُّونَ أَنْ يُقَالَ فِيكُمْ»^۱
 ۶. امام علی علیه السلام: «لَا أَدَبَ لِسِيِّئِ النَّطْقِ»^۲
 ۷. امام صادق علیه السلام: «مَعَاشِرَ الشَّيْخَةِ، كُونُوا لَنَا زِينًا، وَ لَا تَكُونُوا لَنَا شَيْنًا، قُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا، وَ احْفَظُوا أَلْسِنَتَكُمْ وَ كُفُّوهُمَا عَنِ الْفُضُولِ، وَ قَبِّحِ الْقَوْلَ»^۳
 ۸. امام علی علیه السلام: «عَوِّذْ لِسَانَكَ لِيْنَ الْكَلَامِ وَ بَدِّلِ السَّلَامَ يَكْثُرُ مُجْبُوكَ وَ يَقِلَّ مُبْغِضُوكَ»^۴
 ۹. امام علی علیه السلام: «أَجْمِلُوا فِي الْخِطَابِ تَسْمَعُوا جَمِيلَ الثَّوَابِ»^۵
- در کنار ادب حرف زدن، ادب گوش دادن هم مهم است.
 در مناظرات و مباحث علمی و سیاسی، متانت در گفتار اثر می‌گذارد.
 ادب در گفتار، شامل «نوشتار» هم می‌شود. در مقالات هم باید ادب را رعایت کرد.
 فرزندان و شاگردان، ادب گفتاری را از والدین و معلمان می‌آموزند.
 بدآموزی برخی فیلم‌ها و سریال‌ها که بازیگران بی‌ادبانه حرف می‌زنند.
 برخی رُمان‌ها و داستان‌ها، کلمات زشتی را از زبان قهرمانان داستان می‌آورند.
 نکته: در منابع حدیثی، با پیگیری واژه‌هایی همچون: قول، نطق، کلام، لفظ و لسان می‌توان به موارد فراوانی رسید که بحث ادب در گفتار را نشان می‌دهد.

۷. حُسن عاقبت

از مهم‌ترین دعاها و خواسته‌ها، «عاقبت به خیری» است. جوانی می‌گذارد، عمر به پایان می‌رسد، دنیا هم تمام می‌شود، ولی مهم آن است که فرجام عمل و زندگی و عمر انسان، به نیکی و سعادت باشد.
 در دعاها، «حُسن عاقبت» مطرح است. در قرآن و منابع تاریخی هم نمونه‌هایی وجود دارد که افرادی عاقبت به خیر شدند و با ایمان و توبه از دنیا رفتند. در مثل‌های فارسی هم آمده است: «جوجه را آخر پاییز می‌شمارند.»

۱. کلینی، الکافی، پیشین، ج ۲، ص ۱۶۵.

۲. آمدی، غرر الحکم، پیشین، ج ۱۰۵۹۶.

۳. محمدی ری‌شهری، میزان الحکمه، پیشین، ج ۱۷۹۴۷.

۴. آمدی، غرر الحکم، پیشین، ج ۶۲۳۱.

۵. همان، ج ۲۵۸۶.

محورهای بحث

۱. در هر موردی باید به عاقبت و سرانجام کار فکر کرد. ملاک کارها، آخر و عاقبت آن است؛
۲. داستان‌هایی از زندگی کسانی که عاقبت به خیر شدند، مانند: فضیل بن عیاض (راهزنی که با شنیدن آیه‌ای از قرآن، متحول شده و توبه کرد)؛ حرّ بن یزید (که فرمانده سپاه دشمن بود، ولی به امام حسین علیه السلام پیوست و به شهادت رسید)؛ زهیر بن قین (که عثمانی بود، ولی حسینی شد)؛ بشر حافی (که در اثر تذکر امام کاظم علیه السلام توبه کرد و صالح شد)؛ طیب (که زمان شاه حاضر نشد به امام توهین کند و شهیدش کردند)؛
۳. نقش دوستان بد و هم‌نشینان نامناسب در بدعاقبتی انسان‌ها؛
۴. حُسن عاقبت، تنها خوش‌فرجامی در دنیا نیست، بلکه حُسن عاقبت مهم، در آخرت است که انسان اهل بهشت شود؛
۵. بیان بحث حُسن عاقبت در کنار سوء عاقبت و نمونه‌هایی مثل بلعم باعورا که بدعاقبت شدند.

چند آیه و روایت

۱. «فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ مَنْ تَكُونُ لَهُ عَاقِبَةُ الدَّارِ.»^۲
۲. «وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ.»^۳
۳. «ثُمَّ كَانَ عَاقِبَةَ الَّذِينَ أَسَاؤُا السُّوَايَ أَنْ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ.»^۴
۴. امام علی علیه السلام: «مَنْ نَظَرَ فِي الْعَوَاقِبِ سَلِمَ مِنَ النَّوَائِبِ.»^۵
۵. امام علی علیه السلام: «مَلَكَ الْأُمُورِ حُسْنُ الْخَوَاتِمِ.»^۶

۱. در قرآن، آیات متعددی است که به دقت در سرنوشت و عاقبت بد انسان‌ها توصیه می‌نماید؛ مانند: «عاقبة المكذبین، عاقبة المجرمین، عاقبة المفسدین، عاقبة الظالمین.» (ر.ک: انعام، آیه ۱۱؛ اعراف، آیه ۸۴ و ۸۶؛ محمد، آیه ۱۰؛ فاطر، آیه ۴۴؛ قصص، آیه ۴۰)

۲. انعام، آیه ۱۳۵.

۳. اعراف، آیه ۱۲۸؛ هود، آیه ۴۹.

۴. روم، آیه ۱۰.

۵. آمدی، غرر الحکم، پیشین، ح ۸۰۳۹.

۶. همان، ح ۹۷۲۹.

۶. امام علی علیه السلام: «أَعْقَلُ النَّاسِ أَنْظَرُهُمْ فِي الْعَوَاقِبِ»^۱

۷. امام سجاد علیه السلام: «وَاجْعَلْ خِتَامَ مَا تُحْصِي عَلَيْنَا كِتَابَةَ أَعْمَالِنَا تَوْبَةً مَقْبُولَةً لَا تُوقِفُنَا بَعْدَهَا عَلَى ذَنْبٍ اجْتَرَحْنَاهُ، وَ لَا مَعْصِيَةٍ اقْتَرَفْنَاهَا»^۲

تذکر

نقش توبه در حُسن عاقبت انسان، قابل بحث است. اگر کسی عمری در بی‌راهه و گناه باشد، ولی در نهایت، توبه کند، عاقبتش ختم به خیر می‌شود و گناهانش آمرزیده می‌گردد: «التائب مِنَ الذَّنْبِ كَمَنْ لَا ذَنْبَ لَهُ».

همچنین دعای ۳۱ صحیفه سجادیه را نیز که عنوانش «ذکر التوب و طلبها» است، می‌توان مورد توجه قرار داد.

۸. خوف و رجا

«خوف»، عامل بازدارنده و «رجا»، عامل برانگیزاننده است. در یکی، تنبیه و تهدید است و در دیگری، تشویق.

این مسأله، در عرصه‌های فراوانی طرح‌پذیر و اثرگذار است، مانند:

- خوف از شکست و ناکامی، امید به پیروزی و موفقیت؛

- خوف از فقر و تنگ‌دستی، و امید به توانگری؛

- خوف از بیماری، و امید به شفا و بهبودی؛

- خوف از تنبیه و مجازات، و امید به پاداش و مزد؛

- خوف از انزوا و تنهایی، و امید به محبوبیت و موفقیت.

اما در مسائل اخلاقی و معنوی، خوف و رجا، از مهم‌ترین عوامل اصلاح نفس و خودسازی و رسیدن به تقوا و ترک گناه است. در شیوه تبلیغی انبیا هم، پیوسته «تبشیر» و «انذار» مطرح بوده است. خدای متعال در آیات قرآن، هم کافران و منافقان و مفسدان و ظالمان را از مجازات سخت و عذاب جهنم ترسانده است و هم متقیان و صالحان را به نعمت‌های بهشت جاودان مژده داده و امید بخشیده است.

۱. همان، ح ۳۳۶۷.

۲. زین‌العابدین، علی بن حسین علیه السلام، صحیفه سجادیه، قم: نشر جمال، دعای ۱۱.

خوف از عذاب الهی و دوزخ، انسان را از معصیت بازمی‌دارد و امید به بهشت و نعمت‌های آن در آخرت، محرکی برای اعمال خیر و صالح است.

محورهای بحث

۱. نقش بیم و امید (خوف و رجا) در اصلاح نفس و انگیزه برای خیر؛
۲. ضرورت تعادل میان خوف و رجا، تا خوف بیش از حد به یأس نکشاند و رجای بیش از حد، به غرور و گستاخی نرساند؛
۳. نمونه‌هایی از آیات قرآن که در آن خوف و رجا مطرح شده است؛
۴. ارزش خوف و رجا به تناسب متعلق آن دو (خوف از چه و امید به چه؟ یا مراتب خوف و رجا)؛
۵. آثار خوف و رجا در زندگی فردی و اجتماعی؛
۶. خوف بدون ترک گناه، و رجا بدون عمل به وظیفه، بی‌معنا است (عمل‌آفرینی رجا و بازدارندگی خوف)؛
۷. زیان‌های ناامیدی از رحمت الهی.

چند آیه و روایت

۱. «وَأَمَّا مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ وَنَهَى النَّفْسَ عَنِ الْهَوَىٰ * فَإِنَّ الْجَنَّةَ هِيَ الْمَأْوَىٰ.»^۱
۲. «وَيَرْجُونَ رَحْمَتَهُ وَيَخَافُونَ عَذَابَهُ.»^۲
۳. «إِنَّهُ لَا يَيْئَسُ مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ.»^۳
۴. «إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ.»^۴
۵. امام علی علیه السلام: «خَفِ اللَّهَ خَوْفًا تَرَى أَنَّكَ لَوْ أَتَيْتَهُ بِحَسَنَاتِ أَهْلِ الْأَرْضِ لَمْ يَقْبَلْهَا مِنْكَ وَارْجُ اللَّهَ رَجَاءً أَنَّكَ لَوْ أَتَيْتَهُ بِسَيِّئَاتِ أَهْلِ الْأَرْضِ غَفَرَهَا لَكَ.»^۵

۱. نازعات، آیه ۴۰-۴۱.

۲. اسراء، آیه ۵۷.

۳. یوسف، آیه ۸۷.

۴. فاطر، آیه ۲۸.

۵. نراقی، ملا محمد مهدی، جامع السعادات، قم: مکتبه الداوری، ج ۱، ص ۲۵۴.

۶. امام باقر علیه السلام: «لَيْسَ مِنْ عَبْدٍ مُؤْمِنٍ إِلَّا وَفِي قَلْبِهِ نُورَانِ نُورٌ خَيْفَةٌ وَ نُورٌ رَجَاءٌ لَوْ وُزِنَ هَذَا لَمْ يَزِدْ عَلَى هَذَا وَ لَوْ وُزِنَ هَذَا لَمْ يَزِدْ عَلَى هَذَا»^۱
۷. امام علی علیه السلام: «خَيْرُ الْأَعْمَالِ اعْتِدَالُ الرَّجَاءِ وَالْخَوْفِ»^۲
۸. امام علی علیه السلام: «مَنْ رَجَا شَيْئًا طَلَبَهُ وَ مَنْ خَافَ شَيْئًا هَرَبَ مِنْهُ»^۳
۹. امام علی علیه السلام: «لَا تَكُنْ مِمَّنْ يَرْجُوا الْآخِرَةَ بِغَيْرِ عَمَلٍ»^۴

در این سخن، مواعظ بسیار و مفید و کاربردی وجود دارد که مناسب است بیشتر جمله‌های آن شرح و بسط داده شود. مصادیق متعددی از خوف و رجاء، در این کلمه قصار آمده است.

منابع دیگر

۱. غررالحکم، باب الخوف، باب التغریب الی الآخره، باب الأصل؛
۲. اصول کافی، ج ۲، باب الخوف و الرجاء؛
۳. میزان الحکمه، باب الخوف؛
۴. بحار الأنوار، ج ۶۷، باب الخوف و الرجاء؛
۵. محجّة البيضاء، ج ۷، کتاب الخوف و الرجاء.

۹. شایعه پراکنی

شایعه، دروغی است که دهان به دهان نقل شده و در جامعه پخش می‌شود. گاهی آبروی اشخاص از بین می‌رود، گاهی جوّ رعب و وحشت پدید می‌آید، گاهی افراد را به یکدیگر بدبین می‌سازند و گاهی نیز وسیله سوء استفاده دشمنان می‌گردد. شایعه پراکنی، یکی از گناهان بزرگ است و آثار زیان‌باری برای جامعه دارد. وقتی دروغی شایع شود، از بین بردن آثار و عواقب آن، غیر ممکن یا بسیار دشوار است و به این زودی، تأثیر منفی آن از دل‌ها و ذهن‌ها بیرون نمی‌رود.

۱. کلینی، الکافی، پیشین، ج ۲، ص ۶۷.

۲. آمدی، غرر الحکم، پیشین، ح ۵۰۵۵.

۳. محمدری شهری، میزان الحکمه، پیشین، ح ۵۲۱۳.

۴. صبحی صالح، نهج البلاغه، قم: مؤسسه دار الهجرة، حکمت ۱۵۰.

محورهای بحث

۱. معنا و مفهوم شایعه؛
۲. گناه بودن شایعه که نوعی دروغ است؛
۳. آثار زیان‌بار شایعه بر امنیت اخلاقی و روانی جامعه؛
۴. پیدایش تفرقه و اختلاف بر اثر شایعه؛
۵. شایعه‌پراکنی، یکی از شیوه‌های رایج دشمنان و منافقان؛^۱
۶. لزوم اعتنا نکردن به شایعه و عدم نقل آن برای دیگران؛
۷. بیان اخبار صریح و صحیح، خنثاکنده شایعات دشمن؛
۸. شایعات خبری و رسانه‌ای در مطبوعات، خبرگزاری‌ها و سایت‌ها؛
۹. شایعه‌افکنی و شایعه‌پذیری، دو ضلع یک فساد.

چند آیه و روایت

۱. «وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا»^۲
۲. «إِنَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ»^۳
۳. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ»^۴
۴. «وَإِذَا جَاءَهُمْ أَمْرٌ مِّنَ الْأَمْنِ أَوْ الْخَوْفِ أَدَّعَوْا بِهِ»^۵
۵. امام صادق علیه السلام: «مَنْ قَالَ فِي مُؤْمِنٍ مَا رَأَتْ عَيْنَاهُ وَ سَمِعَتْ أُذُنَاهُ كَانَ مِنَ الَّذِينَ قَالَ اللَّهُ فِيهِمْ: «إِنَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ...»»^۶
۶. امام علی علیه السلام: «مَنْ عَرَّضَ نَفْسَهُ لِلتُّهْمَةِ فَلَا يُلُومَنَّ مَنْ أَسَاءَ الظَّنَّ بِهِ»^۷

۱. قرآن از شایعه‌پراکنی منافقان بر ضد مؤمنان، در موارد متعددی سخن گفته و از شایعه‌سازان با نام «المرجفون فی المدینة» یاد نموده (احزاب، آیه ۶۰) و آنان را تهدید کرده است.

۲. اسراء، آیه ۳۶.

۳. نور، آیه ۱۹.

۴. حجرات، آیه ۱۲.

۵. نساء، آیه ۸۳.

۶. کلینی، الکافی، پیشین، ج ۱، ص ۳۵۷.

۷. حرّ عاملی، وسائل الشیعة، پیشین، ج ۸، ص ۴۲۲.

۷. امام علی علیه السلام: «ضَعُ أَمْرَ أَخِيكَ عَلَى أَحْسَنِهِ حَتَّى يَأْتِيكَ مَا يَغْلِبُكَ مِنْهُ وَ لَا تَظُنَّنَّ بِكَلِمَةٍ خَرَجَتْ مِنْ أَخِيكَ سُوءًا وَأَنْتَ تَجِدُ لَهَا فِي الْخَيْرِ مَحْمِلًا.»^۱

۸. امام علی علیه السلام: «لَا تُحَدِّثِ النَّاسَ بِكُلِّ مَا سَمِعْتَ بِهِ فَكَفَى بِذَلِكَ كَذِبًا.»^۲

توجه: نکات ذیل، می‌تواند مانع «شبهه‌پراکنی» شود:

۱. ما مسئول گفته‌های خویشیم و باید نزد خدا پاسخگو باشیم؛

۲. دروغ و تهمت و غیبت، از بزرگ‌ترین گناهان است؛

۳. حفظ آبروی مؤمن، واجب است؛

۴. در روایات، از نقل هر چه می‌شنویم، نهی شده است.

منابع دیگر

۱. شایعه از نظر قرآن و حدیث، سید احمد خاتمی؛

۲. شبهه و شایعه، دو منکر مطبوعاتی، محمداسحاق مسعودی.

۱۰. عیب‌جویی

در پی عیوب دیگران بودن و از عیوب خویش غافل بودن، از بزرگ‌ترین عیب‌ها است.

عیب‌جویی، رفاقت‌ها را به هم می‌زند، ایجاد کدورت و دشمنی می‌کند، آبروی اشخاص

را می‌برد، خود شخص را در معرض انتقام و عیب‌جویی دیگران قرار می‌دهد، انسان را

از نقاط ضعف خودش غافل می‌سازد و نشانه‌ی غرور انسان است.

عیب‌جویی، یکی از گناهان زبان است و به بحث غیبت نیز ارتباط پیدا می‌کند.

محورهای بحث

۱. عیب و نقص در همه هست. گل بی‌عیب، خدا است؛

۲. عیب‌جویی، نوعی منفی‌نگری است. چرا به نقاط مثبت افراد ننگریم؟؛

۳. بیان خوبی‌های دیگران، فضیلت است و بیان عیوب آنان، رذیلت؛

۱. همان، ص ۴۲۲.

۲. صبحی صالح، نهج البلاغه، پیشین، نامه ۶۹.

۴. باید مثل زنبور عسل بود که روی گل‌های معطر می‌نشیند و عسل تولید می‌کند؛ نه مثل مگس که روی زخم‌ها، زباله‌ها و آلودگی‌های می‌نشیند؛
۵. توجه به عیوب خویش، راهی برای نجات از عیب‌جویی؛
۶. فرق انتقاد سالم با عیب‌جویی؛
۷. بیان عیوب افراد به خودشان، نه پشت سرشان. اولی، خیرخواهانه است و دومی، مغرضانه؛
۸. عیب‌جویی، زشت و گناه است، ولی نقدپذیری، کمال است و نشانه انصاف و تواضع.

چند حدیث

۱. امام علی علیه السلام: «أَفْضَلُ النَّاسِ مَنْ شَغَلَتْهُ مَعَايِبُهُ عَنِ مَعَايِبِ النَّاسِ»^۱
۲. امام علی علیه السلام: «أَكْبَرُ الْعَيْبِ أَنْ تُعِيبَ غَيْرَكَ بِمَا هُوَ فِيكَ»^۲
۳. امام علی علیه السلام: «إِيَّاكَ وَ مُعَاشِرَةَ مُتَتَّبِعِي عُيُوبِ النَّاسِ فَإِنَّهُ لَنْ يَسْلَمَ مُصَاحِبُهُمْ مِنْهُمْ»^۳
۴. رسول خدا صلی الله علیه و آله: «كَفَى بِالْمَرْءِ عَيْبًا أَنْ يُبْصِرَ مِنَ النَّاسِ مَا يَعْمَى عَنْهُ مِنْ نَفْسِهِ»^۴
۵. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: سه خصلت که هر که داشته باشد، روز قیامت در سایه عرش الهی است. از آن جمله، یکی این است که به اصلاح عیوب خویش پردازد؛ «و رَجُلٌ لَمْ يَعِبْ أَخَاهُ الْمُسْلِمَ بَعِيْبٍ حَتَّى يَنْفَى ذَلِكَ الْعَيْبَ عَنْ نَفْسِهِ فَإِنَّهُ لَا يَنْفَى مِنْهَا عَيْبًا إِلَّا بَدَأَ لَهُ عَيْبٌ وَ كَفَى بِالْمَرْءِ شُغْلًا بِنَفْسِهِ عَنِ النَّاسِ»^۵
۶. امام علی علیه السلام: «مَنْ تَتَّبَعَ عَوْرَاتِ النَّاسِ كَشَفَ اللَّهُ عَوْرَتَهُ»^۶
۷. امام علی علیه السلام: «مَنْ أَبْصَرَ عَيْبَ نَفْسِهِ لَمْ يَعِبْ أَحَدًا»^۷

۱. آمدی، غرر الحکم، پیشین، ح ۳۰۹۰.

۲. همان، ح ۳۱۶۱.

۳. همان، ح ۲۶۴۹.

۴. کلینی، الکافی، پیشین، ج ۲، ص ۴۶۰.

۵. همان، ص ۱۴۷.

۶. آمدی، غرر الحکم، پیشین، ح ۸۷۹۶.

۷. همان، ح ۸۳۷۹.

تذکر

عیب جویی از دیگران به قصد آبروریزی و تحقیر آنان، گناه است؛ اما بیان عیوب دیگران از روی دلسوزی، آن هم به خودشان و نه پشت سرشان، کاری پسندیده است؛ البته، طرف مقابل نیز خوب است متواضع باشد و از شنیدن عیب‌هایش نرنجد و در اصلاح آن‌ها بکوشد؛ چنان‌که امام صادق علیه السلام فرمود: «أَحَبُّ إِخْوَانِي إِلَيَّ مَنْ أَهْدَى إِلَيَّ عُيُوبِي»^۱

۱۱. توبه و استغفار

«توبه»، راهی برای جبران خطاها و گناهان و روزنه‌ای رو به پاکی نفس و دریافت رحمت الهی است. اگر در توبه بسته باشد، انسان دچار ناامیدی می‌شود و بیشتر در گناه فرو می‌رود و به گناهان و جنایت‌های بزرگ‌تر دست می‌زند؛ ولی توبه، دریچه امید برای نجات و سعادت است.

توبه، بر دو نوع است:

۱. توبه مردم به سوی خدا، با پشیمانی و ترک گناه و آمرزش خواهی؛
۲. توبه خدا به سوی مردم؛ یعنی رجوع با رحمت و احسان و قبول توبه بندگان.

محورهای بحث

۱. توبه و محو آثار گناه و بازگشت به سوی خدا؛
۲. معنای حقیقی توبه و استغفار، که تنها لفظ نیست؛
۳. نقش مهم «ندامت»، عزم بر عدم تکرار و جبران گذشته در توبه؛
۴. توبه نسبت به حق‌الله و حق‌الناس؛
۵. مراتب شش‌گانه توبه و استغفار^۲؛
۶. توبه و شکستن توبه؛
۷. توبه نصوص (توبه جدی)؛

۱. ابن شعبه حرانی، تحف العقول، پیشین، ص ۳۶۶.

۲. صبحی صالح، نهج البلاغه، پیشین، حکمت ۴۱۷.

۸. توبه مقبول و شرایط آن؛
۹. کسانی که توبه آنان پذیرفته نمی شود؛
۱۰. تعجیل در توبه و تأخیر نینداختن آن؛
۱۱. جوان و توبه.

چند آیه و روایت

۱. «وَهُوَ الَّذِي يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ وَيَعْفُو عَنِ السَّيِّئَاتِ وَيَعْلَمُ مَا تَفْعَلُونَ»^۱
۲. «لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ»^۲
۳. «إِلَّا مَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ عَمَلًا صَالِحًا فَأُولَئِكَ يُبَدِّلُ اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ»^۳
۴. «وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ جَاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا»^۴
۵. امام رضا (ع): «مَنْ اسْتَغْفَرَ بِلِسَانِهِ وَلَمْ يَنْدَمْ بِقَلْبِهِ فَقَدْ اسْتَهْزَأَ بِنَفْسِهِ»^۵
۶. امام علی (ع): «إِنَّ قَارُوتَ^۶ سَيِّئَةٌ فَعَجِّلْ مَحْوَهَا بِالتَّوْبَةِ»^۷
۷. امام علی (ع): «التَّوْبَةُ نَدَمٌ بِالْقَلْبِ وَاسْتِغْفَارٌ بِاللِّسَانِ وَتَرْكُ الْجَوَارِحِ وَإِضْمَارُ أَنْ لَنَا يَعُودُ»^۸
۸. امام علی (ع): «التَّوْبَةُ تُطَهِّرُ الْقُلُوبَ وَتَغْسِلُ الذُّنُوبَ»^۹

۱. شوری، آیه ۲۵.

۲. زمر، آیه ۵۳.

۳. فرقان، آیه ۷۰.

۴. نساء، آیه ۶۴.

۵. مجلسی، بحار الأنوار، پیشین، ج ۷۵، ص ۳۵۶.

۶. مرتکب شدی.

۷. مجلسی، بحار الأنوار، پیشین، ج ۷۴، ص ۲۰۸.

۸. آمدی، غرر الحکم، پیشین، ح ۲۰۷۲.

۹. همان، ح ۱۳۵۵.

چند نکته

۱. داستان توبه حرّ و توبه فضیل بن عیاض، گفتنی است.
۲. توبه‌های دروغین «منافقین توّاب» و ضربه آنان به انقلاب؛
۳. در صحیفه سجّادیه، دعای ۱۶، ۳۱، ۳۸ و ۳۹ درباره توبه است.
۴. در مناجات‌نامه خمسّه عشر امام سجّاد علیه السلام، «مناجات التائبین» نیز در این باره قابل توجه است.

۱۲. کارگشایی

از مهم‌ترین عبادت‌ها و کارهای خداپسند، خدمت به مردم، قضای حاجت مؤمنان، اهتمام ورزیدن به حل مشکلات مردم، همدردی با محرومان و نافع بودن برای جامعه است.

نعمت‌هایی همچون: سلامتی، جوانی، ثروت، آبرو، موقعیت اجتماعی، نفوذ و محبوبیت مردمی، شکر لازم دارد. شکرانه آن‌ها، صرف در راه رضای خدا و گره‌گشایی از امور بندگان خدا است.

محورهای بحث

۱. حُسن نوع‌دوستی و کمک به نیازمندان؛
۲. توفیق خدمت به مردم، در همه نیست. باید قدردان این نعمت بود؛
۳. انواع مختلف کارگشایی. قضای حاجت مؤمنان، تنها با پول نیست. گاهی مواردی از قبیل: تلفن و تماس، توصیه و سفارش، راهنمایی و معرفی به دیگران، خرج کردن آبرو، رفع نیازهای علمی و آموزشی، حل اختلاف‌های خانوادگی، گره‌گشای مشکلات مردم است؛
۴. ثواب بسیار زیاد کارگشایی از مردم؛
۵. خدمت و قضای حاجت، بدون مَنّت گذاشتن؛
۶. داستان‌هایی از ائمه معصومین علیهم السلام در کارگشایی از مشکلات؛

۷. مراکز و نهادهایی که کارشان خدمت است؛ مثل: کمیته امداد، هلال احمر، آتش نشانی، مددکاری و بهزیستی.

چند آیه و روایت

۱. «فَلَا اقْتَحَمَ الْعَقَبَةَ * وَ مَا أَدْرَاكَ مَا الْعَقَبَةُ * فَكُ رَقَبَةً * أَوْ إِطْعَامٌ فِي يَوْمٍ ذِي مَسْغَبَةٍ * يَتِيمًا ذَا مَقْرَبَةٍ * أَوْ مِسْكِينًا ذَا مَتْرَبَةٍ.»^۱
۲. «و يُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَ يَتِيمًا وَ أَسِيرًا.»^۲
۳. پیامبر خدا ﷺ: «سَيِّدُ الْقَوْمِ خَادِمُهُمْ.»^۳
۴. پیامبر خدا ﷺ: «مَنْ أَصْبَحَ لَا يَهْتَمُّ بِأَمْرِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ.»^۴
۵. امام رضا علیه السلام: «إِنَّ لِلَّهِ عِبَادًا فِي الْأَرْضِ يَسْعَوْنَ فِي حَوَائِجِ النَّاسِ هُمْ الْآمِنُونَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ.»^۵
۶. پیامبر خدا ﷺ: «خَيْرُ النَّاسِ مَنْ انْتَفَعَ بِهِ النَّاسُ.»^۶
۷. امام رضا علیه السلام: «مَنْ فَرَّجَ عَن مُّؤْمِنٍ، فَرَّجَ اللَّهُ عَن قَلْبِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ.»^۷
۸. در سیره معصومین علیهم السلام نیز نمونه‌های کارگشایی از مؤمنان، بسیار است:
- حضرت سجاد علیه السلام از راهی که می‌گذشت، هر گاه به کلوخی برمی‌خورد، از مرکب خود پیاده می‌شد و آن را با دستان خود از وسط راه برمی‌داشت، سپس سوار می‌شد و به راه خود ادامه می‌داد.^۸

۱. بلد، آیه ۱۱-۱۶.

۲. دهر، آیه ۸.

۳. الهندی، علی، کنز العمال، بیروت: مؤسسة الرسالة، ج ۶، ص ۷۱.

۴. کلینی، الکافی، پیشین، ج ۲، ص ۱۶۳.

۵. همان، ص ۱۹۷.

۶. مجلسی، بحار الأنوار، پیشین، ج ۷۲، ص ۲۳.

۷. کلینی، الکافی، پیشین، ج ۲، ص ۲۰۰.

۸. مجلسی، بحار الأنوار، پیشین، ج ۷۲، ص ۵۰.

– امام صادق علیه السلام مشغول طواف مستحب بود. کسی او را صدا کرد و با آن حضرت کار داشت. حضرت طواف را رها کرد و در پی کار آن مؤمن رفت. آن‌گاه در پاسخ کسی که گفت: چرا طواف را قطع کردی، فرمود: پاداش قضای حاجت مؤمن، از آن طواف، بیشتر است.

– امام صادق علیه السلام می‌فرماید: به خدا و محمد صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام ایمان نیاورده است کسی که هر گاه برادر دینی‌اش برای رفع نیازی به او مراجعه می‌کند، او با چهره خندان با آن شخص برخورد نکند. اگر می‌تواند حاجت او را برآورد و اگر کار از دست او بیرون است، سراغ دیگری بفرستد و از طریق او مشکلیش را حل کند.^۱

۱۳. همسایه و حُسن همجواری

اسلام، دینی اجتماعی است و همزیستی خوب با دیگران، در صدر برنامه‌های آن است. «همسایه» بر گردن انسان حق دارد. رفتار خوب، پرهیز از آزار همسایه، کمک به همسایه در صورت نیاز، رفت‌وآمد و با خبر بودن از احوال او، تحمّل زحمات‌ها و سختی‌های همسایه، از جمله توصیه‌های دینی در خصوص همسایه‌داری است. در متون دینی با عناوینی همچون: «جار»، «حُسن الجوار» و «تعهد الجیران»، به رعایت حقوق همسایه توصیه شده است.

در جوامع غربی و محیط‌های متأثر از فرهنگ غیر دینی، تمایل به زندگی فردی و ضعف ارتباط با همسایگان و خویشاوندان مشهود است؛ اما در محیط‌های اسلامی، فضای عاطفه، ارتباط، صمیمیت و همکاری حاکم است.

محورهای بحث

۱. انسان و روحیه اجتماعی او و نیاز به رابطه با دیگران؛
۲. مقایسه فرهنگ دینی با جوامع غربی، در مورد روابط صمیمی با دیگران؛
۳. حقوق همسایگان بر عهده ما؛
۴. همسایه کیست و تا کجاست؟ حد و حدود همسایه؛

۱. همان، ص ۱۷۶.

۵. آثار و فواید صمیمیت و رابطه خوب با همسایگان؛

۶. همسایه خوب و همسایه بد.

چند روایت

۱. امام علی علیه السلام: «مَنْ أَحْسَنَ إِلَى جِيرَانِهِ كَثُرَ خَدْمُهُ».^۱
۲. امام علی علیه السلام: «مِنْ الْمُرُوَّةِ تَعَهُدُ الْجِيرَانَ».^۲
۳. امام کاظم علیه السلام: «لَيْسَ حُسْنُ الْجَوَارِ كَفَّ الْأَذَى وَ لَكِنَّ حُسْنَ الْجَوَارِ صَبْرُكَ عَلَى الْأَذَى».^۳
۴. امام علی علیه السلام: در وصیت نامه خود پس از ضربت خوردن فرمود: «وَاللَّهِ اللَّهُ فِي جِيرَانِكُمْ فَإِنَّهُمْ وَصِيَّةُ نَبِيِّكُمْ مَا زَالَ يُوصِي بِهِمْ حَتَّى ظَنَنَّا أَنَّهُ سَيُورِثُهُمْ».^۴
۵. امام صادق علیه السلام: «حُسْنُ الْجَوَارِ يَغْمُرُ الدِّيَارَ، وَ يَزِيدُ فِي الْأَعْمَارِ».^۵
۶. امام باقر علیه السلام: «حَدُّ الْجَوَارِ أَرْبَعُونَ دَارًا مِنْ كُلِّ جَانِبٍ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ مِنْ خَلْفِهِ وَ عَنْ يَمِينِهِ وَ عَنْ شِمَالِهِ».^۶
۷. امام صادق علیه السلام: «اعْلَمُوا أَنَّهُ لَيْسَ مِنَّا مَنْ لَمْ يُحْسِنِ مُجَاوَرَةَ مَنْ جَاوَرَهُ».^۷
۸. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم: «مَا آمَنَ بِي مِنْ بَنِي بَاتِ شَبْعَانَ وَ جَارُهُ جَائِعٌ».^۸

چند نکته

۱. در رساله الحقوق امام سجاد علیه السلام، یکی حقوق برشمرده شده توسط حضرت، «حق همسایه» است؛ آن جا که فرموده: «وَأَمَّا حَقُّ جَارِكَ: فَحِفْظُهُ غَائِبًا وَ إِكْرَامُهُ شَاهِدًا وَ نُصْرَتُهُ إِذْ كَانَ مَظْلُومًا...».^۹

۱. آمدی، غرر الحکم، پیشین، ج ۷، ۷۹۶۷.

۲. همان.

۳. کلینی، الکافی، پیشین، ج ۲، ص ۶۶۷.

۴. صحیحی صالح، نهج البلاغه، پیشین، نامه ۴۷.

۵. کلینی، الکافی، پیشین، ج ۲، ص ۶۶۷.

۶. همان.

۷. همان، ص ۶۶۸.

۸. همان.

۹. طبرسی، حسن بن فضل، مکارم الأخلاق، بیروت: مؤسسة الأعلمی، ص ۴۲۲.

۲. دعای ۲۶ صحیفه سجادیه، درباره همسایه است (دُعَائِهِ لَجِيرَانِهِ وَأَوْلِيَائِهِ)؛

۳. در بحث از «زندگی به سبک اسلامی» می‌توان یکی از جلوه‌های آن را روابط خوب و اخلاقی با همسایگان دانست.

۱۴. میانجی‌گری (اصلاح ذات‌البین)

گاهی میان زن و شوهر، دو برادر، دو همسایه، دو شریک، دو دوست، مردم دو محله، یا دو دسته از مؤمنان، اختلاف و جدایی پیش می‌آید. تلاش برای میانجی‌گری و آشتی دادن آنان، از بافضیلت‌ترین کارها است.

نقش زبان، بسیار مهم است. گاهی یک سخن، اختلاف و دشمنی پدید می‌آورد و گاهی هم مایه صلح و آشتی می‌گردد. ثواب اصلاح بین مردم، بسیار است و حتی دروغ گفتن که از بدترین گناهان است، اگر مصلحت‌آمیز و در مقام آشتی دادن میان دو نفر باشد، اشکال ندارد. آری، هنر آن است که انسان «واو عاطفه» باشد؛ نه «خط فاصله».

محورهای بحث

۱. به‌کارگیری زبان در راه صلح و اصلاح، نه جنگ‌افروزی و تفرقه؛
۲. ثواب بسیار اصلاح ذات‌البین در روایات؛
۳. شیوه‌های هنرمندانه و ماهرانه برای آشتی دادن میان افراد؛
۴. نقش غیبت و سخن‌چینی در به هم زدن دوستی‌ها و رابطه‌ها؛
۵. سیره پیامبر ﷺ در آشتی دادن میان دو قبیله اوس و خزرج پس از هجرت به مدینه؛
۶. نقش الفت‌بخش پیامبر ﷺ در ماجرای نصب حجرالأسود در جای خود و جلوگیری از درگیری قبایل؛
۷. نقد و بررسی اختلاف‌ها و جدایی‌هایی که در جامعه میان قبایل و قومیت‌های مختلف، یا طرفداران جناح‌های سیاسی و کاندیدها وجود دارد.
۸. طرح قرآنی حکمیت و داور خانوادگی برای آشتی میان زن و شوهر (نساء، آیه ۳۵).

چند آیه و روایت

۱. «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ»^۱

۱. حجرات، آیه ۱۰.

۲. «وَأَصْلِحُوا ذَاتَ بَيْنِكُمْ»^۱
۳. «لَا خَيْرَ فِي كَثِيرٍ مِّنْ نُّجْوَاهُمْ إِلَّا مَنْ أَمَرَ بِصَدَقَةٍ أَوْ مَعْرُوفٍ أَوْ إِصْلَاحٍ بَيْنَ النَّاسِ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ فَسَوْفَ نُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا»^۲
۴. امام صادق علیه السلام: «صَدَقَةٌ يُحِبُّهَا اللَّهُ إِصْلَاحٌ بَيْنَ النَّاسِ إِذَا تَفَاسَدُوا وَتَقَارُبٌ بَيْنَهُمْ إِذَا تَبَاعَدُوا»^۳
۵. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: «أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِأَفْضَلِ مِنْ دَرَجَةِ الصِّيَامِ وَالصَّلَاةِ وَالصَّدَقَةِ؟ إِصْلَاحُ ذَاتِ الْبَيْنِ فَإِنَّ فَسَادَ ذَاتِ الْبَيْنِ هِيَ الْحَالِقَةُ»^۴
۶. امام صادق علیه السلام: «الْمُصْلِحُ لَيْسَ بِكَاذِبٍ»^۵ این روایت، به گفتن دروغ مصلحتی به قصد آشتی دادن، اشاره دارد.
۷. امام صادق علیه السلام: «لَأَنْ أُصْلِحَ بَيْنَ اثْنَيْنِ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ أَنْ أَتَصَدَّقَ بِدِينَارَيْنِ»^۶
۸. امام علی علیه السلام: «أَوْصِيكُمْ... بِتَقْوَى اللَّهِ وَنَظْمِ أَمْرِكُمْ وَصَلَاحِ ذَاتِ بَيْنِكُمْ فَإِنِّي سَمِعْتُ جَدَّكُمْ صلی الله علیه و آله يَقُولُ صَلَاحُ ذَاتِ الْبَيْنِ أَفْضَلُ مِنْ عَامَّةِ الصَّلَاةِ وَالصِّيَامِ»^۷

چند نمونه

۱. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله زبان خویش را از آنچه به او مربوط نمی‌شد، نگه می‌داشت و مردم را نسبت به هم الفت می‌داد و ایجاد تنفر و جدایی نمی‌کرد.^۸
۲. امام صادق علیه السلام خطاب به مفضل که یکی از اصحابش بود، فرمود: هرگاه میان دو نفر از شیعیان ما نزاعی دیدی، از مال من که پیش تو است، خرج کن تا نزاع برطرف شود.

۱. انفال، آیه ۱.

۲. نساء، آیه ۱۱۴.

۳. کلینی، الکافی، پیشین، ج ۲، ص ۲۰۹.

۴. الهندی، کنز العمال، پیشین، ح ۵۴۸۰.

۵. کلینی، الکافی، پیشین، ج ۲، ص ۲۱۰.

۶. همان، ص ۲۰۹.

۷. صحیح صالح، نهج البلاغه، پیشین، نامه ۴۷.

۸. مجلسی، بحار الأنوار، پیشین، ج ۱۶، ص ۱۵۱.

مفضل هم چنین می‌کرد و در مشاجرات مالی که میان بعضی بود، از امام صادق علیه السلام هزینه می‌کرد تا اختلاف برطرف شود و صلح و صفا جایگزین گردد.^۱

۱۵. خُلف وعده

یک جامعه سالم، در سایه «اعتماد» به رشد می‌رسد. اگر دروغ، تخلف و بدقولی حاکم شود، جو «اعتماد عمومی» از بین می‌رود و بدبینی و عدم اعتماد به یکدیگر، جای آن را می‌گیرد. از این رو، «خُلف وعده» که یکی از گناهان است، برای جامعه هم سم مهلک به شمار می‌رود.

وفای به عهد و صدق در قول و قرار، یک ارزش و فضیلت اخلاقی است. خداوند خودش را خوش قول‌ترین وعده‌دهندگان معرفی کرده است (وَمَنْ أَوْفَى بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ^۲) و از مردم هم خواسته است که به عهد و پیمان‌ها و قول و قرارهای‌شان وفادار بمانند؛ «أَوْفُوا بِالْعُقُودِ»^۳

محورهای بحث

۱. رابطه صدق و راستگویی با عمل به وعده؛
۲. خُلف وعده، نوعی دروغ‌گویی و نشان ضعف ایمان و تقوا است؛
۳. خُلف وعده در اصناف و اقشار یا موارد مختلف، مانند: تعمیرکارها، بناها، خیاط‌ها، پرداخت اقساط و بدهی، تخلیه نکردن خانه استیجاری، نمایندگان و کاندیداها، قرعه‌کشی‌ها و جوایز، حضور سر قرارها و جلسات، وعده خریدن پدران و مادران به فرزندان؛
۴. نمونه‌هایی از صدق در وعده و عمل به تعهد، در سیره انبیا و اولیا؛ چنان‌که حضرت اسماعیل علیه السلام صادق الوعد بود؛^۴

۱. کلینی، الکافی، پیشین، ج ۲، ص ۲۰۹.

۲. توبه، آیه ۱۱۱.

۳. مائده، آیه ۲.

۴. مریم، آیه ۵۴.

۵. وجود انبوه زندانیان مربوط به چک و سفته، به جهت خُلف وعده آنان است؛
۶. آثار و زیان‌های اجتماعی خُلف وعده؛
۷. شیطان، در رأس خُلف وعده‌کنندگان عالم (و وَعَدْتُمْ فَأَخْلَفْتُمْ^۱)؛
۸. مباحثی همچون: عهد، عقد، پیمان، میثاق، قسم، قرارداد، قول و قرار، معاهدات بین‌المللی.

چند آیه و روایت

۱. «إِنَّ اللَّهَ لَا يُخْلِفُ الْمِعَادَ»^۲.
۲. «وَالْمُوفُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذَا عَاهَدُوا»^۳.
۳. «وَأَوْفُوا بِعَهْدِ اللَّهِ إِذَا عَاهَدْتُمْ وَلَا تَنْقُضُوا الْأَيْمَانَ بَعْدَ تَوْكِيدِهَا»^۴.
۴. امام علی علیه السلام: «لَا تَنْقُضَنَّ بِعَهْدٍ مَنْ لَا دِينَ لَهُ»^۵.
۵. امام رضا علیه السلام: «إِذَا وَعَدْتُمُ الصَّبِيَّانَ فَفُوا لَهُمْ فَإِنَّهُمْ يَرَوْنَ أَنَّكُمْ الَّذِينَ تَرَزُّقُونَهُمْ»^۶.
۶. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: «مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَلْيَفِ إِذَا وَعَدَ»^۷.
۷. امام علی علیه السلام: «بِحُسْنِ الْوَفَاءِ يُعْرَفُ الْأَبْرَارُ»^۸.
۸. امام علی علیه السلام: «لَا تَعْتَمِدْ عَلَى مَوَدَّةٍ مَنْ لَا يُوفِي بِعَهْدِهِ»^۹.
۹. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: «حُسْنُ الْعَهْدِ مِنَ الْإِيمَانِ»^{۱۰}.

۱. ابراهیم، آیه ۲۲.

۲. آل عمران، آیه ۹؛ رعد، آیه ۳۱.

۳. بقره، آیه ۱۷۷.

۴. نحل، آیه ۹۱.

۵. آمدی، غرر الحکم، پیشین، ح ۱۰۱۶۳.

۶. حرّ عاملی، وسائل الشیعة، پیشین، ج ۱۵، ص ۲۰۱.

۷. کلینی، الکافی، پیشین، ج ۲، ص ۳۶۴.

۸. آمدی، غرر الحکم، پیشین، ح ۴۳۳۱.

۹. همان، ح ۱۰۱۶۰.

۱۰. محمدی ری‌شهری، میزان الحکمة، پیشین، ح ۱۴۴۲۵.

۱۰. امام صادق علیه السلام: «ثَلَاثَةٌ لَا عُذْرَ لِأَحَدٍ فِيهَا أَدَاءُ الْأَمَانَةِ إِلَى الْبِرِّ وَالْفَاجِرِ وَالْوَفَاءُ بِالْعَهْدِ إِلَى الْبِرِّ وَالْفَاجِرِ وَبِرُّ الْوَالِدَيْنِ بَرِّينَ كَانَا أَوْ فَاجِرَيْنِ»^۱

چند تذکر

۱. امروز و فردا کردن‌ها در ادارات، مصداق خُلف وعده است؛
۲. اگر خُلف وعده نباشد، دیگر نیازی به چک و سفته و ضامن نخواهد بود؛
۳. خُلف وعده‌هایی که موجب معطلی و اتلاف وقت دیگران می‌شود، مسئولیت دارد؛
۴. خُلف وعده، نشانه بی‌نظمی است؛
۵. آنان که خُلف وعده می‌کنند، اعتماد مردم را از دست می‌دهند.

منابع دیگر

- کلینی، اصول کافی، ج ۲.
- سید رضی، نهج البلاغه، کلمات قصار؛
- نراقی، جامع السعادات، ۳ جلدی؛
- فیض کاشانی، محبّة البیضاء، ۸ جلدی؛
- آقا مجتبی تهرانی، اخلاق الهی، ۴ جلدی، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی؛
- محمدتقی رهبر و محمدحسین رحیمیان، آیین تزکیه، بوستان کتاب؛
- جواد محدثی، اخلاق مباشرت، بوستان کتاب؛
- محمدتقی مصباح، خودشناسی برای خودسازی، مؤسسه امام خمینی علیه السلام؛
- سید جلال‌الدین مجتوبی، علم اخلاق، ۳ جلدی، ترجمه جامع السعادات، حکمت؛
- جعفر سبحانی، نظام اخلاقی اسلام (تفسیر سوره حجرات)، بوستان کتاب.